



طی این مسیر هر روز در مدت چند ماه تمرین و اجرا از شمال تا وسط شهر با توجه به ترافیک کار سنگینی است و تحملش را ندارم. البته تئاتر آن رنگ و بوی دوران گذشته را ندارد.

**آیا به نظرتان تئاتر دچار افت شده است؟**

حیات و غنای تئاتر به وجود گروه وابسته است. مثل همان شرایط و فضایی که ما در کارگاه نمایش در دهه چهل و پنجاه تجربه کردیم. الان دیگر خبری از گروه نیست و برای اجرا نمایش عده‌ای دور هم جمع می‌شوند و بعد از خاتمه اجرا از هم دیگر جدا می‌شوند. تامین مالی هم در تئاتر امر ضروری است که متأسفانه این سالها خبری از آن نیست. در این شرایط به کسانی که تئاتر کار می‌کنند باید دست مریزاد گفت.

**به نظر می‌رسد بازیگران جوان مثل بازیگر نسل شما تعهد چندانی به کارشان ندارند....**

همین که با توجه به شرایط موجود کارشان را ادامه می‌دهند باید گفت دمشان گرم.

**دوره‌ای در یکی از خیابان‌های اطراف تئاتر شهر مغازه غذایی فروشی تاسیس کرده بودید. سرنوشت این مغازه به کجا انجامید؟**

در مقطعی برای ادامه زندگی در آن زمان که دلار هزار تومان بود به مالزی رفتم و به همین دلیل بی خود و بی جهت مغازه را فروختم و نمی‌دانستم دلار به صد هزار تومان می‌رسد!

**مغازه را چه زمانی تاسیس کردید؟**

بعد از انقلاب بود و درآمد بازیگری کفاف هزینه‌ها را نمی‌داد و رفتم به این سمت و مغازه‌ای در خیابان خارک پشت تالار وحدت زدم.

**به هر حال خوب جایی بود محل رفت و آمد همکاران تان هم بود.**

پاتوق شده بود و خیلی‌ها می‌آمدند مثل آتیلا پسیانی، مهدی فتحی، سیما تیرانداز و محلی برای ارتباط بین بچه‌ها شد.

**راستی با مهدی فتحی کار مشترکی انجام ندادید؟**

نه متأسفانه، مهدی انسان نازنین و دوست خوبی بود.

**با بهرنگ توفیقی هم همکاری موفقی داشتید؟**

یکی از کارهای موفق مشترکمان سریال «پدر» بود و چند کار کودک مثل «پوتی و سوتی» هم کار کردیم.

**از کار با کدام کارگردان رضایت بیشتری دارید؟**

از همکاری با سیروس الوند خیلی راضی هستم و البته همه‌شان خوبند.

**این روزها مشغول چه کارهایی هستید؟**

یکی از کارهای ثابت و روتین من مطالعه شبانه قبل از خواب است و حداقل شبی یک ساعت کتاب می‌خوانم.

**بیشتر چه نوع کتاب‌هایی می‌خوانید؟**

کتاب‌های تاریخی مثل نوشته‌های دکتر پاریزی.

**مخاطبش همکاری‌های موثری داشتید؟**

بله، زنده‌یاد زرین‌پور کارگردان خوش‌فکر و توانمند تلویزیون بود و همکاری با او لذت بخش بود. یکی از همکاری‌های موفقم با او «هتل پیاده‌رو» بود که در جزیره کیش به همراه اکبر عبدی و همسر زرین‌پور و محمود پاک نیت بازی کردیم. در «عطر گل یاس» که یک ملودرام خانوادگی موفق با حضور بزرگان بازیگری مثل داود رشیدی و اکبر زنجانیور بود تجربه خوبی به دست آوردم.

**با ابراهیم حاتمی‌کیا در فیلم پر بازیگر و جاده‌ای خروج فرصت همکاری به دست آوردید....**

علی‌رغم حرف‌هایی که مطرح می‌شد و بیان می‌کردند که کار با حاتمی‌کیا سخت است. در فیلم «خروج» همکاری خوب و جذابی داشتیم.

**خب، ابراهیم حاتمی‌کیا به سخت‌گیری و تکرار زیاد نماها شهرت دارد....**

همه بازیگران «خروج» بازیگران حرفه‌ای و با تجربه‌ای بودند و حاتمی‌کیا اغلب با رضایت کامل نماها را می‌گرفت و از من هم خیلی راضی بود. در هر فیلمی که بازی می‌کنم همیشه کارگردان از کارم رضایت دارد و از من خوششان می‌آید.

**از همکاری با کدام بازیگر مقابل‌تان بیشترین رضایت را داشتید؟**

از اکبر عبدی خیلی راضی هستم. چند کار مشترک با هم داشتیم. همکاری با اکبر عبدی همیشه شیرین است. حسن و ویژگی بازی اکبر عبدی تسلطش به بداهه است و در «هتل پیاده‌رو» از این ویژگی استفاده کردیم.

**به نظر می‌رسد شما با بازیگران بداهه کار بیشتر راحت هستید؟**

نکته درستی است و انرژی و حس و حال بهتری در هنگام کار با این نوع بازیگران دارم.

**از میان بازیگران زنی که همکاری داشته‌اید، کار با کدامیک برایتان جذابیت بیشتری داشت؟**

زنده‌یاد مهین شهابی همکاری خوبی با ایشان داشتیم و با توجه به جنس بازی شیرین‌گوهر خیراندیش هم چند همکاری موفق با ایشان داشتیم. از میان جوان‌ترها هم رابعه اسکویی بازیگر خوب و توانایی است.

**همکاری با کارگردان‌های زن مثل نیکی کریمی را چگونه دیدید؟**

در فیلم «شیفت شب» با نیکی کریمی همکاری کردم. به نظرم کریمی باندازه بازیگری‌اش در کارگردانی موفق است و حس زنانگی مطبوعی به فیلم‌هایش تزریق می‌کند. در زمان فیلمبرداری هر صحنه‌ای را با دقت و وسواس دنبال می‌کرد تا با بهترین کیفیت همراه باشد.

**بعد از مدتها دوری چند سال قبل در نمایش «مردن با دهان باز» را روی صحنه اجرا کردید....**

پیشنهاد کار تئاتر زیاد دارم اما چونش را ندارم که بخواهم در تمرینات طولانی و پر فشار تئاتر حضور داشته باشم. نکته دیگر بعد فاصله میان من و سالن‌های تئاتری در مرکز شهر است و خانه ما در خیابان درکه است و

«عطر گل یاس»، «ورثه آقای نیکبخت» و چند کار دیگر بازی کردم.

**در سریال تلویزیونی «در چشم باد» مسعود جعفری‌جو زانی هم حضور پررنگی داشتید.**

بله، کاری فاخر و تاریخی بود. در آن سریال چند آواز خواندم و نقش یک سلمانی را بازی می‌کردم که حین اصلاح سر مردم آواز می‌خواند. بعدش هم در کارهای تاریخی مثل «کلاه پهلوی» بازی کردم.

**اگرچه حضورتان در سینما تداوم نداشت، اما در فیلم‌های اجتماعی تأثیرگذاری مثل «چهره» بازی کردید.**

فیلم «چهره» به کارگردانی سیروس الوند جزو کارهای شاخص آن دوران بود. نقش یک دبیر شاعر مسلک سابق را داشتم که ورود یک مرد جوان زندگی او و خانواده‌اش را دگرگون می‌کند. بازیگرانی مثل سیروس ابراهیم‌زاده، محمود جعفری و ابوالفضل پورعرب هم در آن فیلم بودند.

**در سال‌های اخیر در کمدی‌های پرفروشی مثل «شهر هرت» هم بازی کردید.**

بله، «شهر هرت» نقش پیرمردی زرنگ و آنزایمیری را در کنار پژمان جمشیدی بازی کردم. تجربه شیرینی بود.

**کلاً به بازی در کمدی علاقه دارید؟**

برای من مهم نیست نقش چقدر کوتاه یا بلند باشد؛ حتی اگر یک خط دیالوگ داشته باشم، اگر نقش را دوست داشته باشم با دل و جان بازی می‌کنم.

**در «آزادی مشروط» هم در کنار سروش جمشیدی لحظات موفقی خلق کردید.**

بله، اغلب صحنه‌های دو نفره را با سروش بداهه کار می‌کردیم.

**آیا ده نمکی دست شما را باز گذاشته بود؟**

بله دست ما را باز گذاشته بود. فقط خط سیر کلی داستان را می‌گفت و شرایط بداهه‌پردازی را فراهم می‌کرد.

**در دوگانه سریال «چرخ گردون» که قسمت دومش چندی پیش پخش شد در نقش پیرمردی پارک نشین ظاهر شدید؟**

به هر حال پیشنهاد کاری بود و قبولش کردم.

**در سریال «فریبا» هم که چند ماه قبل پخش شد، تجربه جدیدی در کارنامه شما بود.**

بله، سریال «فریبا» به مسائل روز جامعه و زندگی بلاگرها می‌پرداخت. تجربه خوبی با نسل جوان‌تر بود و بازخورد مثبتی داشت.

**در میان نقش‌هایی که در سال‌های اخیر ایفا کردید به کدامیک علاقه بیشتری دارید؟**

نقش تیمسار در «آزادی مشروط» را خیلی دوست داشتم. جای کار زیادی داشت، سریال هم در زمان کرونا ساخته شد که کار سختی بود، ولی همه چیز خوب پیش رفت.

**با بهمن زرین‌پور در دهه هفتاد در سریال‌های پر**

بله، نقش علی‌اکبرخان را خودش بازی می‌کرد.

**چه کسانی دیگر در آن سریال حضور داشتند؟**

هادی اسلامی، سیروس گرجستانی، رضا ژیان، نصرالله رادش، رضا بابک، جمشید اسماعیل‌خانی و زنده‌یاد داوود رشیدی.

**و شما چه نقشی داشتید؟**

نقش صاحب یک کتابفروشی را بازی می‌کردم که از علی‌اکبرخان طلبکار است.

**چطور وارد این پروژه شدید؟**

با رضا ژیان و بسیاری از دوستان دیگر در کارگاه نمایش کار کرده بودیم، برای همین دعوت شدم.

**سریال پرمخاطبی بود؟**

بله، خیلی دیده شد و از آنجا بود که چهره‌ام بین مردم شناخته شد.

**بعد از انقلاب شرایط کار در تئاتر متفاوت دنبال شد....**

بعد از انقلاب باز هم در نمایش بزرگ مثل خسیس مولیر به کارگردانی فرهاد مجد آبادی بازی کردم که آنقدر استقبال از این نمایش زیاد بود که روزانه دو اجرا در تالار وحدت می‌رفتیم.

**در نمایش خسیس چه بازیگرانی بازی داشتند؟**

جمشید اسماعیل‌خانی، فرزانه کابلی، نادر رجب‌پور، پوراندخت مهیمن و خیلی‌های دیگر.

**در میان تئاترهایی که بازی کرده‌اید به کدامیک از نقش‌هایتان علاقه بیشتری دارید؟**

در نمایش «از نو شکفتن و مرگ» نقشم را دوست داشتم.

**«از نو شکفتن و مرگ» از کارهای موفق اسماعیل‌خلج بود؟**

بله، نویسندگی و کارگردانی‌اش را خلج انجام داد و مهین شهابی در آن بازی داشت و من نقش یک آدم شیرین و بامزه را بازی کردم.

**در سال‌های بعد از انقلاب، مثل بسیاری از هنرمندان تئاتر جذب تلویزیون شدید.**

بله، بعد از انقلاب برای خیلی از بازیگران سینما و تلویزیون امکان فعالیت کمتر شد و توجه‌ها به تئاتر جلب شد. من هم بعد از بازی در سریال «آیین» خیلی مورد توجه مردم قرار گرفتم و مسیر جدیدی برایم باز شد.

**بعد از «آیین» در سریال «مش خیرالله» هم حضور موفقی داشتید.**

درست است. نقش راوی را بازی می‌کردم؛ یک پاکبان محله که در ابتدای هر قسمت اطلاعاتی درباره داستان به مخاطب می‌داد. بازیگران بزرگی مثل علی‌نصیریان، علیرضا مجمل و مهوش افشارپناه هم در این کار حضور داشتند.

**در سریال «گرگ‌ها»ی داوود میرباقری هم نقش آفرینی چشمگیری داشتید.**

بله، تجربه خوبی بود. بعد از آن هم در سریال‌هایی مثل